روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسوول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

شنبه • ۷ تیر ۱۳۹۳ • ۳۰ شعبان ۱۴۳۵ • ۲۸ ژوئن ۲۰۱۴ • سال یازدهم • شماره ۲۰۵۰ • ۱۶صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۸ • اذان مغرب ۲۰:۴۵ • اذان صبح‌فردا ۴:۰۵ • طلوع آفتاب ۵:۵۱

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

آمبولانس

روحانی گردوخاک کرد

پوریا عالمی

• محمدجواد کریمی‌قدوسی را سوار آمبولانس کرده بودم و داشتم با سرعت می‌رفتم که گفت «رمزگشایی از شعار اعتدال امر مهمی است چرا که اعتدال پوششی برای براندازی نظام است.» گفتم: چیزی نیست ممدجوادجان... چیزی نیست... بعد هم چطوری است دولت رفسنجانی و دولت خاتمی و دولت روحانی همه تو کار براندازی هستند؟ آیا برای براندازی نیاز به دولت دارند؟ بعد چطوری دولت خاتمی و روحانی تو کار براندازی هستند، اما نصف دولت احمدی‌نژاد الان پرونده‌شان را دادند زیر بغلشان؟

محمدجواد گفت: «محمد خاتمی «عنصر کلیدی ضدانقلاب» است.» گفتم: چیزی نیست... به خودت فشار نیاور... انرژی‌ات را حفظ کن... وقتی کلید نشانه روحانی است اگر خاتمی عنصر کلیدی ضدانقلاب باشد یعنی خاتمی عنصر روحانی است یا روحانی کلید خاتمی است؟

کریمی‌قدوسی گفت: «فضای فرهنگی، برداشتن فیلترینگ و... از مهم‌ترین عوامل نشان‌دهنده ضعف فرهنگی و براندازکردن نظام توسط دولت اعتدال است.»

گفتم: چیزی نیست... الان می‌رسیم... بله. منطق بی‌نقصی داشت حرفت. ریختم بهم. راستش من هم موافقم فضای باز فرهنگی نشانه ضعف فرهنگی است. چون من هم هربار می‌روم فضای باز احساس ضعف می‌کنم.

محمدجواد گفت: «جریا ه نشود.»

گفتم: چیزی نیست... ولی حق با شماست... همین چندهفته پیش ندیدی چه گردوخاکی راه انداخته بودند؟ معلوم بود که آن توفان‌ها کار روحانی است... اگر کار روحانی نبود پس کار کی بود؟ هان؟ صددفعه گفتم کلید را ازش بگیرید هی در و پنجره را باز نکند توفان بیاید...

محمدجواد کریمی‌قدوسی می‌خواست باز هم چیزی بگوید که گفتم: نه، محمدجوادجان... دیگر استراحت کن... الان می‌رسیم....

پیامک‌های صبح شنبه

لطفا قضاوت نکنید

شهاب‌الدین طباطبایی

• زندگی عالی خواهد بود به شرط آنکه نه دیگران را قضاوت کنیم و نه برای قضاوت دیگران زندگی کنیم. لطفا امروز فقط برای آرامش خودتان کسی را قضاوت نکنید، و فقط همین امروز همان‌طور که دوست دارید زندگی کنید بی‌اعتنا به قضاوت دیگران.

قلم‌انداز

درس یوگا

سیروس ابراهیم‌زاده

• از اعضای بدن شروع می‌کنیم. تمام سنگینی بدن را به جاذبه زمین بسپارین و ول کنین... ولش کنین... آره بابا وللش! از انگشتان پا، کف پا و مچ پا گرفته تا ساق و حجم زانو و ران‌ها... همه را رها کنین و ریلکس! تصور کنین این اعضا هرگز از آن شما نبوده... رها و بی‌خیال... آها... حالا نوبت میرسه به پهلوها، کمر، ستون مهره‌ها، لگن خاصره، و... حالا طبله شکم، نرمه شکم، لوزالمعده و، روده‌ها. روده‌ها را رها کنین... ول کنین که بره... اصلا فراموشش کنین... حالا بیاین بالاتر... آها... قفسه سینه، دنده‌ها، شش‌ها و قلب... نفستون رو حبس نکنین! اجازه بدین دم و بازدم‌هاتون جاری باشه. بذارین بیاد، بره. بره، بیاد تا وایسه! یا هر کاری دلش می‌خواد بکنه. حالا ذهنتون رو خیلی آهسته متوجه ضربان قلبتون کنین... آیا صدای قلبتون رو می‌شنوین؟ پوم تیک پوم تیک پوم تیک؟ یا پوم تیک پوم تیک تیک پوم تیک تیک؟ باید خیلی آروم بتپه... و به‌خاطر یک عدد... بزرگ‌ترین عدد. عدد صفر... صفر... صفر... اگه می‌خواین به آرامش واقعی برسین، باید یاد بگیرین قلبتون فقط به‌خاطر صفر بتپه... خب حالا بیاین بالاتر... شانه‌ها، کتف‌ها و دست‌ها... انگشتان دست، مچ دست، ساعد و بازو... تک‌تک این عضلات و سلول‌ها باید از هر نوع انقباض و تنش تهی باشن. رها و وانهاده... رها و شل و ول... این دو تا دست باید مثل بال‌های یک کبوتر مرده از شانه‌هاتون آویزان باشن تا دست از پا خطا نکنن و شما رو تو درد سر نندازن! حالا می‌رسیم به گل و گردن و حجمِ جمجمه... لطفا یک لحظه زبون‌تون رو پشت دندون‌هاتون فشار بدین. فقط یک لحظه... آها خوبه... اما مواظب باشین که زبون‌تون رو گاز نگیرین. بله... حالا ولش کنین. رها... زبون‌تون هم مثل جاهای دیگرتون ول کنین بره... بره... بذارین راحت باشه... بذارین هر چی دلش می‌خواد بگه... آزادش بگذارین... در این لحظه مغز هم باید کاملا آزاد باشه و از کار بیفته... آها... آها... خب حالا که مغزتون از کار افتاده، می‌تونین بهترین فکرها رو تو کله‌تون بذارین... فکر کنین در یکی از زیباترین باغ‌های ایرانی هستین... مثلا تو یزد، یا شیراز... همه جا سبز و گل‌ها از همه رنگ... بوی خوش فراوان... و شما مست از عطر گل و گیاه و نشئه شرشر آب چشمه و نسیم خیس فواره... روحِ دار و درخت در شما حلول کرده و شما در ننوی شاخه‌های بید تاب می‌خورین... تاب... تاب... و خواب... بخواب! بخواب تا فردا...!!!

کارتون خواب

آروین

arvinmad@gmail.com

بحران آب

ARVIN

پشت جلد

پس از فوتبال

کریم ارغنده‌پور

جام‌جهانی -و به‌ویژه سه بازی ایران در آن- حال‌وهوای هیجان‌آمیزی را در هفته‌های گذشته رقم زده است. برای من یکی از زیباترین و لذت‌بخش‌ترین صحنه‌های فوتبال زمانی است که در پایان بازی دو کاپیتان رقیب، دوستانه با هم دست می‌دهند و لبخندی به مهر رد و بدل می‌کنند. گاهی می‌بینم بعضی از دوستان بازی‌ها را جدی‌تر از آنکه هست و باید باشد گرفته‌اند، این خطاست. هر بازی فلسفه‌ای دارد که نباید از آن فاصله گرفت. آنجا که به‌خاطر بازی آدم کشته می‌شود ارزش بازی را از زندگی خود فراتر برده‌اند. بازی درواقع باید رهیافتی به رقابت‌های واقعی باشد: باید یاد بگیریم در آن آماده باشیم، روحیه داشته باشیم، خوب حمله کنیم، در زمان مناسب جانانه دفاع کنیم، گل بزنیم و گل نخوریم، ولی حق نداریم قاعده بازی را به هم بزنیم، حق نداریم با دوپینگ و رانت وارد زمین شویم. بهتر است در سراسر بازی، ایستادگی جوانمردانه داشته باشیم. اگر گل زدیم مغرور و سرمست نشویم و اگر گل خوردیم احساس فلاکت نکنیم. هیچ‌کدام از این دو وضعیت آخر دنیا نیست. شکست‌ها مقدمه پیروزی و پیروزی‌ها پلی برای موفقیت‌های بعدی است. اینها همه نیاز به آگاهی و ممارست همیشگی دارد. بدون آن نمی‌توان بازی خوبی ارایه کرد. دقیقا در زندگی هم همین طور است. دشواری‌ها و موانع کم نیست. کسی که از همان ابتدا مقهور دشواری‌ها شود کلاهش پس معرکه است. تنها کسی موفق است که برنامه و هدف داشته باشد، درست و با روحیه جلو برود و در برابر مشکلات و بزرگی نام‌ها نهراسد. بازی‌ها را اگر نمادین ببینیم بسیار آموزنده هستند. هم در متن جامعه و هم در مواجهه دولت‌ها. به همین ترتیب که کمترین اشکالی در زمین بازی بزرگ می‌شود و بحث‌ها برمی‌انگیزد، رقابت‌های اصلی در صحنه‌های مختلف اجتماعی نیز باید امکان بحث‌برانگیزی داشته باشد. در این صورت همه نفع می‌برند. همان‌طور که باب گفت‌وگو و اظهارنظر موافق و مخالف درباره فوتبال باز است باید امکان گفت‌وگو درباره موضوعات مختلف هم گشاده باشد. تنها گفت‌وگوست که راه به‌سوی پیشرفت را هموار می‌کند. بیشتر از نتیجه بازی‌ها، درست بازی‌کردن مهم است و درست بازی‌کردن هم نیاز به آگاهی بیشتر و حق انتخاب دارد. خوشحالم که در این دوره جام‌جهانی فوتبال ما خوش درخشید و برای جامعه لحظات خوبی خلق کرد.

فرداگذرانی

• شماره نهم پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان منتشر شده است. موضوع این شماره از پژوهشنامه «ادبیات کودک در کشورهای در حال توسعه» است و نقد ویژه آن به «آتوسا صالحی» اختصاص دارد. در این شماره، در میزگردی که با همت خانم رویا مکتبی در کتابخانه بین‌المللی مونیخ به‌طور اختصاصی برای پژوهشنامه برگزار شده است، آنا چرنوف، جونکو یوکوتا و مینیا لپن در آن شرکت کرده‌اند. حسین بکایی نیز با کلثوم چنگیز، دبیر سابق اتحادیه نویسندگان ترکیه، درباره ادبیات و کتاب کودک و نوجوان در ترکیه گفت‌وگو کرده است. فاطمه زمانی در مقاله‌ای که اطلاعات آن را از منابع متعدد گردآوری کرده، برخی از مهم‌ترین جوایز ادبیات کودک را در کشورهای در حال توسعه معرفی کرده است. «کتابخانه‌ای به وسعت قلب‌های بزرگ کودکان» گزارشی است از سجاد صاحبان‌زند که در آن تحولات کتابخوانی در کشورهای درحال‌توسعه مرور شده است. بهار اشراق نیز در مقاله‌ای به وضعیت ترجمه ادبیات کودک و نوجوان در ایرانِ امروز پرداخته است. در این پرونده، همچنین مقاله‌هایی درباره ادبیات کودک و نوجوان در کشورهای هند، کنیا، مغولستان، ویتنام، مالزی، تایلند و اندونزی منتشر شده است.

• شماره چهل‌ویکم مجله سینما و ادبیات ویژه لهستان و سینمای آندری وایدا منتشر شد. ضد تارانتینو مقاله‌ای از حسن حسینی است که در بیستمین سالگرد نمایش فیلم پالپ فیکشن در جشنواره کن، به نگارش درآمده است. سینمای ایران در این شماره مجله به شخصیت‌های ماندگار سینمای ایران پرداخته و در میزگردی با عنوان از هملت تا حاج‌کاظم با حضور مهدی فخیم‌زاده، رضا کیانیان و فریبرز عرب‌نیا مفصل به این موضوع پرداخته است. کتاب به‌عنوان شخصیت موضوع این شماره بخش ادبی مجله است در نشست پروین سلاجقه، عباس پژمان و علیرضا محمودی ایرانمهر و گفت‌وگویی جداگانه با محمد محمدعلی و آثاری از احمد اخوت، حامد اسماعیلیون، ابوتراب خسروی، سهیل سمی، رضا قیصریه و... . اما پیوست ویژه این شماره مجله با جلدی مجزا از آلن روب گریه به رمان نو اختصاص دارد. جدیدترین شماره این فصلنامه به قیمت ۹هزارتومان و در ۲۵۶ صفحه منتشر شده است.

سلام به فردا

کاش روزه‌داری، عادت نباشد

مجتبی راعی

ماه مبارک رمضان، ماهی برای تقرب به خداست؛ یعنی گندم این ماه، همین تقرب و نزدیکی است. ولی این گندم کاهی هم دارد که باید یاد ما بیاورد عده‌ای مضیقه مالی دارند و گرسنگی می‌کشند. در جامعه‌ای که شکاف طبقاتی در آن وجود دارد، آدم‌های ثروتمند آن جامعه چطور روزه می‌گیرند و سفره‌های افطاری رنگین می‌اندازند؟ جامعه‌ای که در آن «روزه» ارزش است، شکاف طبقاتی نمی‌تواند و نباید گسترده باشد مگر اینکه ماه رمضان به یک رسم تبدیل شود؛ رسمی برای میهمانی‌گرفتن و افطاری‌دادن. باید درک کنیم که اگر روزه می‌گیریم، نسبت به این شکاف حساس باشیم و برای پرکردن این شکاف بکوشیم. باید مراقب باشیم که روزه‌داری در ماه مبارک رمضان، برایمان صرفا یک عادت نباشد. وقتی خودِ شارع هم می‌گوید فطریه‌تان را به فقرا بدهید، اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد که این وجهه کمک به فقرا در یک روزه درست، لحاظ شده است. در واقع خداوند این فطریه را قرار داده که کسی نتواند وجهه توجه به فقرا و شکاف اجتماعی را نادیده‌بگیرد.

پنجره فردا

تاریخ‌نگاری با عکس

احمد مسجدجامعی

عکس و عکاسی در دوره ما در مقایسه با گذشته‌ای نه‌چندان دور بسیار متفاوت است. امروز «دوربین» وسیله‌ای فراگیر شده است و به‌دلیل پیشرفت تکنولوژی، می‌توان گفت هر فرد یک عکاس است. گوشی‌های تلفن همگی نقش دوربین را بازی می‌کنند؛ دوربینی که نه نیاز به حلقه‌های فیلم و نه نیاز به تنظیم نور و فاصله و نه نیاز به لابراتوار و چاپ دارد. به‌دلیل همین فراگیری است که شرایط جدیدی هم شکل گرفته است. از آنجا که هر فرد با خود یک «دوربین» همراه دارد، بنابراین از هر اتفاقی به‌راحتی می‌شود عکس گرفت. امروزه بخش قابل‌توجهی از عکس‌های تاثیرگذار و پربیننده، عکس‌هایی است که توسط افراد غیرحرفه‌ای گرفته شده است. اما در گذشته شرایط دیگری را شاهد بودیم. در ۲۰،۳۰سال قبل، دوربین وسیله‌ای عمومی نبود.

تنها عکاسان حرفه‌ای بودند که دوربین‌به‌دست، سراغ سوژه‌های خبری و گزارشی و... می‌رفتند. برای همین هم عکس‌هایی که اتفاقات بزرگ را ثبت کنند کم اما حرفه‌ای بودند. در این دوره نقش عکاسان حرفه‌ای که خلاقیت، شجاعت و سرعت‌عمل داشتند گسترده و عمیق بود. در آن سال‌ها عکس‌هایی چون شلیک تیر به سر یک چریک ویتنامی توسط یک فرمانده نظامی، که هنوز هم از عکس‌های برتر جهانی است، به‌ندرت دیده می‌شود.

در عرصه داخلی و کشور خودمان هم برخی عکس‌ها که از دوران انقلاب و دفاع‌مقدس توسط عکاسان حرفه‌ای گرفته شد بی‌شک تاثیرگذار بود و جاودانه شد؛ عکس‌هایی چون حادثه ۱۷شهریور ۱۳۵۷ در میدان شهدا، کشیدن مجسمه ساقط‌شده توسط چند نوجوان، پایین‌آمدن امام (ره) از پلکان هواپیما، جمع‌شدن باشکوه و پرحجم مردم در ساختمان نیمه‌کاره‌ای در خیابان آزادی برای استقبال از امام، رژه رزمندگان دفاع‌مقدس، سینه‌خیز یکی از رزمندگان نوجوان در میان آب و گل و مانند اینها. بدون تردید عکاسان این صحنه‌ها را باید خلاق و دلیر دانست که توانستند در شرایط سخت، عکس‌هایی ماندگار بگیرند.

حسین پرتوی از این دست عکاسان برجسته بود. برای گرفتن یک عکس خوب باید کار و زمان زیادی را هزینه کرد و او چنین بود. تاثیر عکس دیدار همافران با امام(ره) بر روند انقلاب بر کسی پوشیده نیست. در ارزش تاریخ‌نگارانه این تصویر همین بس که تنها عکسی است که پس از آن‌روز هرساله یعنی بیش از ۳۵بار در ۳۵سال پی‌درپی به همین شکل و شیوه تکرار شده است. گویی در این‌همه سال هیچ کتاب، فیلم، شعر، قصه، یادداشت و مقاله‌ای نتوانسته از عهده نشان‌دادن آن همه شکوه و عظمت، در آن شرایط سخت و دشوار برآید. به یقین این عکس سال‌ها و بارها نیز در برابر دیدگان میلیون‌ها مشتاق قرار خواهد گرفت. درست است که پرتوی را بیشتر با همین عکس می‌شناسند اما نکته این است که چرا از بین آن‌همه عکاس و تصویربردار فقط او توانسته است چنین لحظه‌ای را به دست آورد. پاسخ به این پرسش به دانش و تجربه‌ای طولانی و شجاعتی درخور در عین رعایت ملاحظات امنیتی و انسانی برمی‌گردد. زاویه نگاه عکاس به شکلی است که چهره هیچ‌یک از همافران ارجمند و فداکار آن رویداد در تصویر دیده نمی‌شود تا مبادا شناسایی و مورد آزار و تهاجم قرار گیرند. به‌واقع هنرمند پیام خود را با رعایت همه جوانب و کمترین هزینه و بیشترین فایده بیان می‌کند. در عین حال اینها میسر نیست مگر با دانش و تجربه‌ای وسیع و عملکردی خلاقانه. مردی که از کار در انبار روزنامه کیهان آغاز می‌کند و با نشان‌دادن توانایی‌های خود راه پرپیچ‌وخم رقابت در فضای رسانه را پشت‌سر می‌گذارد و به مرحله استادی تمام می‌رسد و عکسی تاریخی و سرنوشت‌ساز را پیش چشم میلیون‌ها بیننده ایرانی و خارجی می‌گذارد.

باید گفت عکس مذکور نه‌تنها در زمان خود باارزش محسوب می‌شود که تبدیل به بخشی از تاریخ انقلاب و به عبارتی یکی از نقاط‌عطف آن شد.

نکته جالب آنکه این تنها عکسی است که دو بار در دو روز متوالی در صفحه اول یک روزنامه سراسری چاپ شده است. ماجرای این کار هم گفتنی است که پس از چاپ آن در روز اول، فرماندهی نیروهای نظامی آن را جعلی خواند و با اطلاعیه‌ای آن را تکذیب کرد. فردای آن روز تحریریه وقت کیهان با تیزهوشی اقدام به چاپ مجدد عکس و تکذیبیه آن کرد! استقبال از این کار به حدی بود که در آن روز در هیچ دکه‌ای روزنامه کیهان یافت‌نمی‌شد.

باری، می‌گویند هر انقلاب با یک حادثه به اوج و پیروزی خود می‌رسد. دیدار همافران با امام (ره) را می‌توان چنین حادثه‌ای توصیف کرد که پرتوی با عکس خود آن را جاودانه ساخت.

او عکاسی را از دانشگاه و کلاس‌های عکاسی آکادمیک آغاز نکرد. پرتوی گرچه تجربی کار کرد اما از همان ۱۷سالگی که به‌عنوان عکاس روزنامه کیهان دوربین به دست گرفت، خلاقیت و شجاعت را فراموش نکرد و همین بود که باعث عظمت و ماندگاری عکس‌هایش شد.

بجاست که این تصویر و نمونه‌ای از این دست مانند عکس میدان ژاله در ۱۷شهریور ۱۳۵۷، کشیده‌شدن مجسمه شاه توسط بچه‌ها، رژه رزمندگان، سخنرانی امام(ره) در بهشت‌زهرا(س)، پایین‌آمدن امام(ره) از پلکان هواپیما، بدرقه شاه با چشمان گریان در فرودگاه، حضور صدهانفر در ساختمان نیمه‌تمام به هنگام استقبال از امام(ره)، به‌دست‌گرفتن اسکناسی که عکس شاه ندارد، سنگربندی و مبارزه با نیروهای وابسته به شاه و دیگر عکس‌های مطرح انقلاب و دفاع‌مقدس در سطح شهر به‌صورت نقش برجسته به نمایش درآید.

سال‌ها پیش در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای چنین کاری با هماهنگی فرهنگستان هنر قدم‌هایی برداشته شد و برای ساخت اینگونه کارها از هنرمندانی از داخل و خارج دعوت به عمل آمد و عزیزان دعوت‌شده هم در این راه تلاش‌هایی کردند اما همه اینها منجر به جلب همکاری مدیریت شهری در جانمایی این نقش‌ها نشد و کار ناتمام ماند. اینک بجاست که سازمان زیباسازی این تجربه را به پایان رساند و نامی نیکو از خود برجای گذارد.

گزارش فردا

والیبال؛ دوراهی تماشاگران زن

سعید برآبادی

در راهروهای فدراسیون والیبال عکس‌های جدیدی از تیم‌ملی والیبال در استادیوم ۱۲هزارنفره آزادی، حکایت از آن دارند که تا سال قبل، ورود خانم‌ها به ورزشگاه نه غیرقانونی بوده و نه تاوانی برای آنها یا والیبال کشور داشته است. حتی احمدی‌نژاد نیز با رییس وقت کنار خانم‌ها عکس گرفته‌اند به یادگار بازی‌های برد والیبال ایران. حالا اما به یکباره زنان از ورود به ورزشگاه و دیدن بازی‌هایی که به اعتراف رییس فدراسیون والیبال، ۸۰۰میلیون‌نفر در جهان تماشاچی آن هستند، منع شده‌اند، آن هم بی آنکه حکمی دست به دست شود. انگار همه دستورات در تلفن‌ها صادر شده و کسی نباید بپرسد «چرا؟»

یک «چرا»ی بزرگ روبه‌روی این اتفاق قرار گرفته که کسی قادر به پاسخگویی درباره آن نیست، حتی رییس فدراسیون که از سال ۸۶ قدم به قدم تیم‌ملی والیبال را به جایی رسانده که حالا در خارج برایش تیتر زده‌اند «والیبال ایران، پدیده‌ای در حال تولد» هم نمی‌داند چه پاسخی باید به آن بدهد. محمدرضا داورزنی، رییس فدراسیون والیبال ایران، وقتی که قرار می‌شود از تیم‌های والیبال ایران حرف بزنند، سینه‌اش را جلو می‌گیرد، مغرور است به تیمی که یکی بعد از دیگری قدرت‌های جهان را دست به توپ می‌گذارد و به پیش می‌رود اما در عمق حرف‌هایش یک نگرانی هم پنهان است که امروز دیگر بر کسی پنهان نیست. او به «شرق» می‌گوید که وقتی قرار شده تیم‌ملی والیبال ایران از گروه B، یک درجه صعود کند و به گروه A بیاید، FIV سه شرط مهم و تاثیرگذار تعیین کرد: «اول اینکه پخش بازی‌ها با قابلیت «اچ دی» باشد، دوم اینکه سیستم ویدئوچک در لیگ الزامی است و سوم اینکه زنان باید بتوانند در ورزشگاه حضور داشته باشند.»

انگار ماجرا هم درست از همین‌جا شروع می‌شود. او تاکید می‌کند که برای بازی ایران و ژاپن دو، سه‌هزار نفر خانم به ورزشگاه آمده‌اند، در بازی بعدی این تعداد کمتر شد و در نهایت در بازی بعد از آن، بانوان از ورود به ورزشگاه منع شدند. داورزنی می‌گوید که ابتدا برای ورود زنان جلساتی با شورای تامین برگزار شد اما درست در روز بازی، آن اتفاقی که باید بیفتد، نیفتاد! و اشاره‌اش به عدم ورود بانوان به ورزشگاه ۱۲هزارنفری‌ای است که هنوز خاطره حضور زنان را در راهروهایش به دیوار دارد.

حالا پای چهره جهانی والیبال ایران وسط است؛ چهره‌ای که به سمت جهانی‌شدن حرکت می‌کند و اگر مشکلات به قول داورزنی، با ظرافت و کار کارشناسی حل شوند، می‌شود به آتیه تیمی امید دوخت که امروز در گروه A والیبال جهان است و رقبایش دیگر آسیایی نیستند. او درباره اینکه چه نهادهایی مسوول رسیدگی به این ماجرا هستند چیزی نگفت اما به‌طور گذرا اشاره‌ای به مسایل و تنوع نگاه‌های فقهی کرد با این امید که این گره به دست کارشناسانش حل شود.

تیم والیبال ایران مثل تیم فوتبالش نیست که یک روز ببرد و یک روز سه تا بخورد؛ روی ریل قهرمانی افتاده و امروز تنها رشته گروهی ورزش ایران است که در سطح جهانی، پرچم ایران را افراشته نگاه می‌دارد. داورزنی می‌گوید که در جهان، والیبال، ورزش خانواده‌هاست و تاکید می‌کند، خانم‌هایی که مشوق تیم والیبال ایران در آوردگاه‌های مختلف بوده‌اند تا به حال مشکل به وجود نیاورده‌اند و اگر بحث فقهی در این زمینه حل شود، می‌شد امیدوار بود که زنان دوباره به ورزشگاه‌ها بازگردند و از سوی دیگر، تیم‌ملی والیبال ایران بتواند در سطح A باقی بماند. یک نگرانی هم در این وسط هست و آن اینکه نتیجه کار کارشناسی در این زمینه، منفی از آب دربیاید در آن صورت والیبال ایران باید لیگ جهانی و میزبانی بازی‌های جهانی را برای همیشه فراموش کند.

عکس‌نوشت

بانوان مانتوی باشگاهی دارند اما حق ورود به ورزشگاه و تماشای مسابقات را ندارند. این را می‌توان، به‌دلیل تفاوت نگاه فرهنگی در بخش‌های مختلف دانست. در حالی که ماجرای برخورد با زنانی که قصد تماشای بازی تیم‌ملی والیبال را در ورزشگاه «آزادی» داشتند؛ چند روزی است که نقل محافل خبری شده، عکس چهار مدل مانتوی باشگاهی که توسط یک موسسه مجوزدار طراحی شده؛ روی خروجی خبرگزاری‌ها قرار گرفت. چهار مانتویی که در این عکس دیده می‌شود و عموما با طرح پرچم ایران طراحی شده‌اند از جمله تولیدات «خانه‌مد» است؛ موسسه تک‌منظوره‌ای که «بنیاد ملی مد و لباس» وابسته به وزارت ارشاد، آنها را برای مدسازی و ارایه طرح به بازار تایید کرده است. جاوید شیرازی، مدیرمسوول این موسسه گفته است که قرار بوده این لباس‌ها برای جام‌جهانی آماده شود که مجوزها فراهم نشده، بنابراین قرار است این محصولات در بازی‌های آسیایی مورد استقبال قرار گرفته و عواید آن نیز صرف حمایت از تیم‌ملی کشور شود. مراسم نمایش زنده این چهار مدل مانتو نیز برگزار شد. همه این اتفاقات در حالی است که هنوز مجلس و گروه‌های مختلف بر سر حضور زنان در ورزشگاه‌ها نظرات متفاوتی دارند و گفته شده است چند نفر از زنانی که هفته پیش هنگام ورود به ورزشگاه «آزادی»، بازداشت شده بودند، با دستور و پیگیری رییس‌جمهور، آزاد شدند.